



کَلِمَةُ اللَّهِ تَوْحِيدِي

سرودهای مکتبخانه ای

در عوض باید والدین کودکان تا حدی زندگی آخوند روستا یا محله خود را تأمین می کردند، زیرا آخوند کارش تعلیم کودکان بود و نمی توانست برای امرار معاش خود دنبال کار دیگری برود. برای حقوق آخوند شرایطی وجود داشت. روزهای مخصوصی بودند که کودکان مکتب باید قسمتی از حقوق معلم خود را تهیه کنند. ما در این مبحث به نمونه هایی از آن روزها اشاره می کنیم.

۱- آئین تولد پسران:

چون پسران در زمان گذشته از برتری و ویژگی خاصی برخوردار بودند، وقتی خداوند پسری به خانواده ای مرحمت می کرد، آخوند مکتب کودکان را به در خانه صاحب نوزاد می فرستاد تا آنها سرود مبارکباد بخوانند و انعام خویش را بگیرند. کودکان چیزهایی مثل کشمش و نخود و کشته زردآلو و سنجدر را خودشان می خوردند ولی فطیر و مرغ و خروس و احتمالاً بره و بزغاله و قوچ را که با توجه به شرایط مالی صاحب نوزاد فرق می کرد، برای آخوند می بردند و او پس از گرفتن هدایا، کودکان را یکی دو روز تعطیل می کرد و بچه ها چند روزی از مکتبخانه ها دور بودند.

سرود کودکان معمولاً با کمانچه یا دایره و گاهی

بازیهای موسیقایی و سرودهای کودکانه در اقوام مختلف کشور ایران از زیبایی های خاص خود برخوردار است که امروز بطور کامل در دسترس همه نیست. بازیهای آتل مثل توتوله، جُمجُمک برگ خزون، دویدم و دویدم، عمو زنجیرباف و ... برای بسیاری از پدر و مادرها شناخته شده است ولی همین بازیها را بسیاری از بچه ها نمی دانند و وظیفه بزرگترها است که این بازیها را به آنها یاد دهند و موجبات تفریح و لذت و نشاط آنها را فراهم آورند.

در روستاهای کرد و ترک نشین شمال خراسان، قوچان، شیروان، بجنورد و ... بازیها و سرودهای زیبایی وجود داشت و بعضی از آنها هنوز هم وجود دارد که گزارش آنها را برادر عزیز و محقق فرهنگ کردی شمال خراسان، کلیم اله توحیدی برای ما ارسال داشتند.

ضمن تشکر از ایشان، توجه خوانندگان عزیز را به این مقاله جلب می کنیم و از آنها می خواهیم چنین گزارش هایی را از منطقه خودشان برای ما ارسال کنند تا در اختیار علاقمندان فرهنگ موسیقی کودکان قرار دهیم.

در مکتبخانه ها که مراکز علمی روزگاران قدیم بودند، آخوند یا ملای مکتب به بچه ها قرآن یاد می داد،

که آخوند مکتب را تعطیل کند و ما را راحت سازد...

۲- آیین عروسی:

از جمله سرودهای کودکانه مکتبی مراسم «بووکانه» بود. بووک در کردی به معنی عروس و بووکانه عروسی معنی می دهد. در مراسم عروسی که پیش ترها با ساز و دهل و رقص و کشتی و شادی فراوان برگزار می شد، هنگامی که عروس را در میان استقبال و شور مردم به خانه داماد می آوردند و این کار به هنگام ظهر انجام می شد. کودکان به مکتب می آمدند و به صف می ایستادند و سرودشان را همراه با دایره و قوشمه یا کمانچه این چنین می خواندند:

دوسی بیتان زه کرمانجی ده ویزم
ته ماشه گن، چه ره شه گه رده ریزم
قه رانه کو، ته رخچینه کو، به نده ک
دوسی ئاتمان برنجو، گه له قه نده ک ...
خه لاتی، مه بده ن، ئاخووند بوینه
خادی شادی سه واوه رابگینه

Do se beytan za kormanji davejem
Tamasa kan cara sakar darezem
Qaranaku araxcinaku Bandek
Dosey atman Berenju kula Qandek
Xalati ma bedan axund bevina
Xadey Sadi sava vara begina

دو سه بیته ز کرمانجی می گویم
نماشنا کنید چگونه شکر فشانی می کنم
یک قرآن و عرفجینی و شالی
دو سه من برنج و کله قندی
برایمان خلعت بدهید که آخوند ببیند
خداوند شادمانی را برای شما روا بدارد ...

۳- سرود لخبیر^(۱) (la xabir) (سوره فاطر - آیه ۲۸)

وقتی کودکان مکتب به آیه مبارکه لخبیر می رسیدند، باید انعامی به آخوند می دادند. هر کودکی به این آیه می رسید، همه کودکان مکتب به در خانه پدر او می رفتند و سرود را می خواندند و انعام خود و آخوند

هم که این سازها نبودند بدون ساز انجام می شد. نمونه ای از این ترانه ها را در زیر می خوانید:

سلام الله عجب فیض مبارک
الهی لاوکی وه بوی مبارک
سلام الله به روی همچو ماهت
امیرالمومنین پشت و پناهت
امیرالمومنین با یازده فرزند
رها سازد تو را از رنج و از بند
خلافت زه علی مایه له خه لکی
زه پر، پر زه هندک به رخه گه می
برنج و روون، مریشکو چرند قدرانه ک
سه واه را وه رنین هوون به راندک
م فدتیر و گوتمیز و کشیشان بوخه نی
به رانو، روون، سه وانا خووند بوه نی
کوئا خووند مه بکه تعطیل و راحت
ببخشد این پسر ایزد برایت^(۲)

Salamollah ajab feyzo tabarak
Elahi lavki va bevi mobarak
salamollah be ruye hamco mahat
Amiralmoamenin Poshto Panahat
Amiralmoamenin ba yazda farzand
Roha Sazad tora az ranjo az band
xalafat za Ali maya la xalke
Zaperi perza hendek barxa kame
Brenjo run merisko cand Qaranak
Sara mara varinen hun baranak
fatiro goizo kesmisan boxane
Baranu run sava axund bevane
Ku Axund ma beka Taatilo Rahat
Bobaxsad in pesar izad barauat(2)

برگردان به فارسی:

خط اول مصرع دوم: الهی پسر تان مبارک باشد.
خط چهارم: خلافت از علی برای مردم یادگار
مانده- از زیادی، زیاد، از کمی هم حداقل یک بره
مرحمت کنید.
برنج و روغن و مرغ و چند قرآن- برایمان یک قوج
هم خلعت بیاورید.
فطیر و گردو و کشمش ها را بخوریم- قوج و
روغن را هم برای آخوند ببریم.

را می گرفتند . پس از اینکه انعام به آخوند داده می شد ،
کمی دو روز تعطیل می شدند و اینک سرود لخبیر :

له خه بیر ، جویته ك فه تیر
دپکه که کویر ، مه که ن ره بیر
آخوند بوها ، حه ز که
خزین مره خه س که (تکرار)

گردان به فارسی :

لخبیر ، بدهید به ما یک جفت فطیر
با یک خروس کور ، فراموشان نشود
که آخوند بخورد و حظ کند
بچه ها را از مکتب مرخص کند

La xabir juitak fatir
Dikake koir makan zabir
Axond boxa haz ka
Xezin moraxxas ka

موسیقی نمایشی کودکان

۱- چمچه بووک

از جمله نیایش های نمایشی کودکان و نوجوان ،
شعر و موسیقی منسجم در آیین چمچه بووک است که در
فصل بهار ، آن زمانی که بارندگی همچون سالهای اخیر
کم باشد و کشتزارها و مزارع و مراتع نیاز شدیدی به آب
داشته باشند ، اجرا می شود (این مراسم را در روستاهای
قاجکانلو و امامقلی و اینچه ها و خادمانلو ، کوسه
می نامند) . در چنین مواقعی کودکان روستایی یا
عشایری به دستور والدین که معتقدند این آیین باید انجام
شود و دل خداوند بر معصومیت و بیگناهی کودکان و
نیایش پاک و صادقانه آنها به رحم آید و باران ببارد ، انجام
می شود .

نخست کودکان دختر و پسر دور هم گرد می آیند و
چمچه بووک ، یعنی عروسک چوبی خود را درست
می کنند . این عروسک که دست و سر و پا و اندامش از
چوب درختان ساخته شده است و لباس های رنگارنگ
و جالبی نیز بر آن پوشانده اند ، به وسیله بزرگترین و
چابکترین فرد گروه به دست گرفته می شود و بقیه به
دنبال او به میان روستا یا محله های چادر نشینان به راه
می افتند .

معمولاً یکی دو تا از دختران دایره می زنند و بچه ها
هم به دو گروه آوازی تقسیم می شوند که هر کدام یک
لنگه شعر سرود را پس از شنیدن لنگه شعر گروه اول

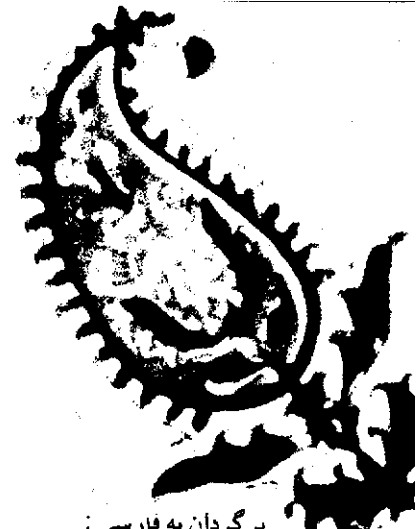
می خوانند و به در خانه ها می روند و اظهار فقر و بیوایی
می کنند و از صاحبخانه چیزی به عنوان اعانه تقاضا
می کنند . دل صاحبخانه که بر آنها می سوزد ، مقداری
آرد یا گندم یا لوبیا یا نخود و عدس و روغن و مانند آن را
به فراخور حال در انبان یا توبره آنان می ریزد و آنها را در
کار خیرشان دعا می کند .

گروه چمچه بووک پس از آنکه از خانه های مردم
مواد خوراکی مورد نیاز خود را جمع آوری می کند ، به
باغها و کشتزارها می رود و در کنار امامزاده ای یا کنار
چشمه ای بساط خودشان را پهن و اجاقی درست و هیزم
و بوته لازم را هم تهیه و آتش افروزی می کنند و دیگ
آتش چمچه بووک را روی اجاق می گذارند و حبوبات و
سبزیهای بیابانی را هم می شویند و داخل آن می ریزند .
تا هنام ظهر آتش پخته می شود . بار دیگر کودکان و همه
رهگذران هم در آنجا حضور می یابند . پس از خوردن
آش و دعاخوانی برای باران ، بار دیگر گروه چمچه
بووک راه می افتند و دایره نوازی و سرودخوانی خود را
آغاز می کنند .

در مسیر عبور آنها برخی از زنان یا مردان هم جام
در دست در کنار رودخانه یا جویبار و چشمه
می ایستند . وقتی گروه به آنجا نزدیک شد ، آنها هر کدام
یک جام آب را به سوی چمچه بووک و بچه ها می باشند
و به عنوان شگون آنها را خیس می کنند و داد و فریاد
بچه های خیس شده را در می آورند . اما گروه از این
ادبیت و آزارها و خیس شدن خود نمی ترسند و همچنان
به میان باغها و کشتزارهای تشنه و نیازمند به باران پیش
می روند و همراه دایره نوازی این چنین می خوانند :

یاری ، یاری ، یارالی - چه مچه بووکی بار اینجا
چه مچه بووکی چی ده که - ناوگه نمان شل ده که
باران بیوی پر پر - ته رنا و بکه ن شر شر
کارو به رخی له چیان - بوخون ره گولوگیان
جانی ، مانیان هیره هر - نار شیر ی م تزی شیر
چه مچه بووکی شرینه - خادی بیوی بوینه
بارش سی مه بگینه - بارش سی مه بگینه (تکرار)

Yare yare yarane
camca buki barane
camca buki cidaka
Nav ganeman seldaka
Baran bevi per per



Hivu Hivu
Zangola Zivu
Nani ta havirker
Bavi ta fatir ker
Banallavi Aqa Merker
Parita zabirker (3 times)

برگردان به فارسی:

ای ماه زیبای آسمان
ای ماه زیبای آسمان
از زنگوله نقره گون (سیمگون)
مادر تو خمیر کرد
پدر تو فطیر (پخته) کرد
پسر آقای میر (بزرگ قبیله) را دعوت کرد
او خورد و سهم تو را هم فراموش کرد (۳ بار
تکرار)

۲- دیدن باز در پرواز

گاهی اوقات که کودکان باز شکاری را در هوا
می بینند که بال بال زنان در آسمان در نقطه ای می ایستد و
به شکار خود در زمین که موجود کوچکی مثل ماریا
موش و ... است، می نگرند تا خود را آماده و یکباره با
سرعت هرچه تمامتر به سوی آن حمله کند، توجهشان
جلب می شود.

در این حالت (بال بال زدن) که کودکان باز را
می بینند سوت کشان و شادی کنان دستجمعی
می خوانند:

تیرو بلیز قیزی پاشی ده دمه ته
تیرو بلیز قیزی قاشی ده دمه ته

Tiru Beliz Qizi Pasi dadamata
Tiru Beliz Qizi Qasi dadamata

برگردان به فارسی:

ای باز، برقص، تا دختر پادشاه را به تو بدهم
ای باز، برقص، تا شال (قرمز و زیبای) قاش را به
تو بدهم
و چندین بار این جملات را تکرار می کنند، تا باز
از بازی خود خسته شده و از محل دور شود.

۳- وه وکیاین Vahva Kiayen

وقتی سادران مشکها را به سه پایه می بندند و مشک

Tarnav bekan ser ser
Karu barxe laciyan
Buxun za golu giyan
Jani maynan hira hir
Arsiri matezi sir
Camca buki sirina
Xadei bevi Bevina
Bares sema Begina
Bares sema Begina

برگردان به فارسی:

ای یار، ای یار، بهترین یاران
ای چمچه بوک بارانی
این چمچه بوک چه می کند؟
گندمزارها را خیس و بارانی می کند
باران بیاید، زیاد، زیاد
که ناودان خانه ها شر شر شان دربیاید
بزغاله ها و بره ها در کوهساران
از گل و گیاه سیر بخورند
کره اسبها و مادیانها شیهه بکشند
مشگهای شیر ما پر شیر شوند
این چمچه بوک شیرین است
خدا بیاید ببیندش
و باران برای ما بفرستد
و باران برای ما بفرستد
و به این ترتیب بچه ها تا عصر در میان کشتزارها
می گردند و از خدا طلب باران می کنند و امیدوارند ابری
بیاید و باران تندی بیارد.

سرودهای گوناگون کودکان

۱- ماه دیدن

یکی از سرودهای موسیقایی کودکان هنگام دیدن
ماه نو در آسمان است که به صورت زنگوله ای پس از
غروب در فضای جنوب غربی کشور خودنمایی
می کند. کودکان به محض دیدن ماه، دستجمعی
می خوانند:

هیقو هیقو،

زه نگه زیقو

نه نی ته هه قیرکو

باقی ته فه تیر کر

بانه لاوی ناغا میر کر

پاری ته ژه بیر کر (۳ بار تکرار تا مصرع آخر)

می چینند و آتش می زنند و از روی آنها می پرند و شادی کتان با آواز دسته جمعی می خوانند:

چه له زه ت بوونو، بهار هات
ده نه ده نه سیقو نار هات
عه ید نه و رووزی له پیشه
گول و بولبول تین هه میشه
سمارو به رخان تین وه هه زار
پیستکی مه سکان وه خه روار
چه له وه رکه تن، بهار هات
ده نه، ده نه، سیقو نار هات^(۲)

Cala rat buno bahar hat

Dana dana siro nar hat

Ayda Navruze la pisa

Golu bolbol ten hamisa

samaru barxan tinu hazar

Pisteki maskan va xarvar

Cala var ketan Bahar hat

Dana dana sivu nar hat

برگردان به فارسی:

چله ها گذشته و بهار آمد
دانه دانه سیب و انار آمد
عید نوروز در پیش است
گل و بلبل همیشه همراه او هستند
بزغاله ها و بره ها هزار هزار می آیند
پوستهای پر از کره، خروار خروار می آید
چله ها در شدند و بهار آمد
دانه دانه سیب و انار آمد

اشعار فوق تازمانی که آتش ها خاموش نشده اند و کودکان و جوانان جست و خیز دارند، با آهنگ موزون و دلنواز ادامه دارد. پس از اینکه آتش بوته ها خاموش شد، به سراغ توپهای پارچه ای که از پیش آماده کرده و در نفت فرو برده و آماده شعله کشیدن کرده اند، می روند و روشن می کنند. دسته آن را که سیم بلند یا طنابی از سوی بز است و به توپ پارچه ای دوخته اند، دور سر می چرخانند و با نیروی هر چه تماستر به فضا پرتاب می کنند. تمام فضای روستاها یا سیاه چادرها در شب تاریک نورافشان می شود. چشم انداز بسیار زیبا و پر جوش و خروش را به وجود می آورد و تفریح و جشن بسیار دل انگیزی را ایجاد می کند.

می زنند که کره را از ماست و دوغ جدا کنند، کودکان که چشم انتظار به راه رسیدن کره تازه و روی تکه نانی گذاشتن و گاز زدن و خوردن هستند خطاب به مادر و مشک زدنش می خوانند:

کل کل - ده وی مانگان - له خه رمانگان
کل کل - ده وی چییان - مه سکی میان
کل کل - نه م بوخه نی مه سکه - داپیری مه هه زکه^(۲)
نه م بوخه نی مه سکه - داپیری مه هه زکه

Kel Kel dave mangan - La Xarmangan

Kel Kel dave cayan - maske mayan

Kel Kel am buxani mask - dapire ma hazka

am buxani mask - dapire ma hazka

برگردان فارسی:

کل کل (صدایی که از حرکت مشک بر روی سه پایه به هنگام تکان دادن به وجود می آید).
دوغ ماده گاوها - در خرمنگاه ها
کل کل - دوغ کوهساران - کره میش ها
کل کل - ما بخوریم مسکه (کره) - مادر بزرگمان حفظ کند

۴- چه لان چُخدی Celan Caxdi

زبان ترکی در طول صدها سال به فرهنگ کُردی همجوار خود نیز اثر بخشیده است، چنان که نامهایی مانند چالان چُخدی یا چارقالدی (نام یکی از روستاهای مخروطی بین راه اوغاز به شیروان) متأثر از این جریان است.

این نام یا بهتر بگوئیم این عنوان مرکب از دو قسمت (چه لان یعنی هر دو چله بزرگ و کوچک زمستان و چُخدی به معنی بیرون رفتن است که اولی کردی و دومی ترکی است و رویهمرفته به مراسم آتش بازی سه روز آخر بهمن اطلاق می شود. این رسم از دیگر آیین کهنسال و باستانی کرد است که بازگو کردن فلسفه پیدایش آن در این مقاله نمی گنجد و فرصت و مکان ویژه را می طلبد.

به هر حال مراسم چالان چُخدی در آغاز هر سه شب پایان بهمن یعنی روزهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ بهمن برگزار می شود. کودکان پس از تاریک شدن هوا پس از غروب آفتاب، بوته هایی را که از مدت ها پیش جمع آوری و ذخیره کرده اند، تپه تپه به فاصله های معینی روی هم

سه که چکی کرمانجانم

این سرود که نوعی تفاخر و حماسه سرایی است، در بین کودکان و نوجوانان دختر به صورت گروهی همراه با دایره انجام می شود. دختران در حالی که یک یا چند دایره در دست دارند، می خوانند و می نوازند. یکی از آنها که صدای بهتر و دلنشین تری از دیگران دارد، شروع به پیش خوانی می کند. هر لنگه ای که می خواند و دایره می زند، سکوت می کند تا دیگران دستجمعی آنرا بنوازند و بخوانند. آنها حلقه ای را تشکیل می دهند که با لباسهای زیبا و رنگارنگ کرمانجی از دور شبیه دسته گل زیبایی است.

پیش خوان با رهبر گروه در وسط دایره یا حلقه می ایستد و سرود خویش را این چنین آغاز می کند.

نه زکه چکی کورمانجانم

تیری سه ری چیانم

خادیی هه سپو مییانم

نه زی مال وه میقانم

نه زی مال وه میقانم

Az kacke kormanjanem

Tiri sari ciyanem

Xadey hespu mayanem

Azi malva mivanem

Azi malva mivanem

برگردان فارسی:

من دختر کرمانجم

من آن باز و عقاب بر فراز کوهسارانم

من صاحب اسبها و مادبانهای قشنگم

خانه ام همواره به وجود مهمانان سرفرازی می کند

(تکرار در پایان بند)

۶- کور کور^(۳)

کور کور پرنده ای است شبیه شاهین که خوراک آن موش و مار و جوجه و مرغ است. کور کورها در هوا پرواز می کنند و اگر در جایی ببینند که جوجه مرغها به دنبال مادرشان در حرکت هستند، از آسمان حمله می کنند و جوجه ای را می ربایند و می برند که بخورند و یا در لانه خود به جوجه های خود بدهند.

کودکان برای اینکه این پرنده مزاحم را از مرغ و جوجه های خود دور کنند، وقتی که او در آسمان

بال زنان پیدا می شود، با آواز دسته جمعی از زمین به مسیر پرواز کور کور می نگرند و او را با این سرود از فرود آمدن منع می کنند. البته این سرود را در اوغاز، بچه های ترک زبان می خوانند.

کور کور، گه مونده

مونده جوجه بوخدی

آله داغ ده چوخدی

سقج ویرم چینه

آلمه ویرم روینه

سپر گه له سه قه لینه

Kurkur ga munda

Munda juja yoxdi

Aladaq do coxdı

saqij virem cina

Alma virim ruina

seper gala saqqelina

برگردان فارسی:

کور کور بیا اینجا

اینجا جوجه نیست

در آلا داغ (بجنورد) زیاد است

سقج (آدامس) بدهم بخوری

سیب بدهم با آن بازی کنی

چاروها را به ریشت بیندم

■ پانویس:

۱- این سرود را دوست عزیزم آقای مهندس رضا سلیمی برایم گفتند که خودشان در حدود سال ۱۳۳۸ خورشیدی در مکتبخانه روستای شیرغان از توابع قوچان به همراه هم مکتبی هایش اجرا می کردند.

۲- برخی جاها هم می گویند:

لاوك بولخا هه ز که

بده سرنین گه ز که

(پسریچه بخورد و حظ کند - روی نان بگذارد و گاز بزند)

Lavak Buxa Haz ka

Beda Sarnin gaz ka

۳- در جاهایی مانند روستای خودمان (اوغاز) که دو فرهنگ کردی و ترکی از هم متأثرند، کودکان ترک نیز این مراسم را با اشعار ترکی خود آغاز می کنند و می خوانند:

چه لان چخدی قیش گیندی بهار گلدی

قازان قازان پلو گلدی ده نه ده نه انار گلدی

چله ها در شدند - زمستان رفت و بهار آمد

دیگهای پلو یکی یکی آمدند - دانه دانه انار آید

۴- این اشعار با اندک تفاوتی در مجله کردی پیشه‌نگ

شماره ۲۰، تموز ۱۹۹۰، صفحه ۳۵ چاپ شده است.